

جنبش‌های اجتماعی به مثابه قدرت نرم

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۲۰

دکتر جعفر هزارجریبی^۱ و نوذر امین صارمی^۲

چکیده

زمینه و هدف: در چند دهه اخیر ظهور جنبش‌های اجتماعی، گستره متنوعی از اشکال رفتار جمعی را مطرح ساخته که از نظر اهداف، ماهیت و روش مبارزه، با جنبش‌های کلاسیک (سنتی) تفاوت اساسی دارد. این رویکرد جدید، معطوف به قدرتی است که به تعبیر استیون لوکس «بعد سوم قدرت» نام گرفته است. قدرتی که ماهیت آن متفاوت شده و چهره تازه‌ای یافته که مبتنی بر ذهنیت‌پردازی و اقتباس‌سازی است. در ایران، تغییرات گسترده فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه در کلان‌شهرها و نیز توسعه ارتباطات، زمینه‌های مناسبی را برای شکل‌گیری این‌گونه جنبش‌ها فراهم ساخته‌اند. هدف این تحقیق شناسایی ابعاد این جنبش‌ها و بررسی میزان‌گرایش آنان به قدرت نرم می‌باشد و در این راستا سؤال اساسی تحقیق این است که در ایران کنونی تا چه میزان رویکرد جنبش‌های اجتماعی معطوف به بعد سوم قدرت (قدرت نرم) گردیده است؟

روش: روش تحقیق توصیفی-پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه، در قالب طیف لیکرت می‌باشد. جامعه آماری شامل فرماندهان و مدیرانی است که به لحاظ اقتضای شغلی، با جنبش‌های اجتماعی ارتباط نزدیک داشته‌اند. که به تعداد ۷۲ نفر و از طریق روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. **یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق نشان داد که در ایران چند دهه اخیر، جنبش‌های اجتماعی به بعد سوم قدرت (قدرت نرم) گرایش یافته‌اند. آنها از نظر ویژگی و ماهیت، معطوف به فرهنگی‌شدن، ارزشی و هنجاری‌شدن، اقتباس‌سازانه و خشونت‌گریزی گردیده و عمدتاً از ابزارهای خاصی چون رسانه، هنر، نمادگرایی و ... برای نشان دادن اعتراض و مبارزه استفاده کرده‌اند. نتیجه اینکه، مدیریت و کنترل آنها باید با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها صورت‌پذیرد.

کلیدواژه:

جنبش‌های اجتماعی Social movements، بعد سوم قدرت Third dimension of power، قدرت نرم Soft power، اداره‌امورپلیسی Policing، جنبش‌های نوین New social movements.

□ **استناد:** هزارجریبی، جعفر؛ امین صارمی، نوذر (۱۳۸۹)، پاییز). جنبش‌های اجتماعی به مثابه قدرت نرم. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۵ (۳)، ۴۸۶-۵۰۳.

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی jafar_hezar@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول). n_aminsarami@yahoo.com

مقدمه

فضای جهانی و تراکم زمانی و مکانی که جهان معاصر تجربه می‌کند بر تحولات و ساخت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع تأثیر گذاشته است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۲۱). این فرایند موجب تغییر در هنجارها، الگوها و رفتارها شده و ناهنجاری‌های اجتماعی تازه‌ای را تولید کرده است. در چند دهه اخیر، ظهور جنبش‌های اجتماعی و شیوه‌های جدید بیان خواست‌ها و اعتراض‌ها، گستره متنوعی از اشکال رفتار جمعی را مطرح ساخته که از نظر اهداف، ماهیت و روش مبارزه، با جنبش‌های کلاسیک (سنتی) تفاوت اساسی دارد. اگر جنبش‌های سنتی به صورت مستقیم کانون‌های قدرت سیاسی را نشانه می‌گرفتند، جنبش‌های جدید دارای ماهیتی پنهان و سیال بوده که در سلول‌های ریز جامعه نفوذ کرده و به تولید و باز تولید هنجارها، نمادها و خرده‌فرهنگ‌های خاص می‌پردازند. آنها عمدتاً هویت‌های فرهنگی و ارزشی خاص جامعه را نشانه می‌گیرند.

این رویکرد جدید جنبش‌های اجتماعی، معطوف به قدرتی است که به تعبیر استیون لوکس^۱ «بعد سوم قدرت» نام گرفته است. قدرتی که ماهیت آن متفاوت شده و چهره تازه‌ای یافته که مبتنی بر ذهنیت‌پردازی و اقلان‌سازی است. در این رویکرد زور، عریان و خشونت، نمود کمتری دارد و در عوض، توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن (به جای اجبار یا تشویق) صورت می‌گیرد. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ایده‌های سیاسی، انجام می‌شود. در واقع، زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید را بپذیرند، بدون اینکه برای این کار، زور یا امتیاز مادی صرف کنید، در این صورت از قدرت نرم استفاده شده است. اساس قدرت نرم در ارزش‌ها و فرهنگ می‌باشد (کلی، ۲۰۰۲، ص ۸).^۲

در ایران تغییرات گسترده فرهنگی و اجتماعی، به ویژه در کلان‌شهرها و نیز توسعه ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی زمینه‌های مناسبی را برای شکل‌گیری آن‌گونه جنبش‌ها فراهم ساخته‌اند. این تحولات را می‌توان با توجه به جوانی جمعیت، نرخ شهرنشینی، نرخ صنعتی شدن، نرخ دسترسی به رسانه‌ها، نرخ سفرهای داخلی و خارجی، نرخ مکالمه

1. Steven Lukes

2. Kelly, 2002, p.8

با خارج از کشور ملاحظه نمود. شرایطی که برخی صاحب‌نظران آن را ورود به مدرنیته تلقی کرده‌اند. آلن تورن^۱ جامعه‌شناس معاصر بعد از سفر سال ۱۳۸۱ خود به ایران در اظهارنظری چنین گفت: «اولین چیزی که در این کشور به چشم می‌خورد آن است که شما در حاشیه مدرنیزاسیون قرار ندارید بلکه دقیقاً در متن آن قرار گرفته‌اید» (تورن، ۱۳۸۱، ص ۶). اگر رشد دسترسی به رسانه‌های جمعی چون تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت، مطبوعات و کتاب را که در چند دهه اخیر در ایران افزایش چشمگیری داشته است به حساب آوریم می‌توان گفت امروزه کشور، جمعیتی جوان‌تر، شهرنشین‌تر، دارای سواد و تحصیلات دانشگاهی بالاتری دارد؛ همچنین به ارتباطات و رسانه‌های جمعی دسترسی بیشتری پیدا کرده است. ساختار مذکور به لحاظ نظری، مستعد شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید است (شفیعی، ۱۳۸۲، ص ۶۴۸). به بیان کلاس اوفه: «طبقات متوسط جدید و گروه‌هایی نظیر دانشجویان و زنان خانه‌دار محتمل‌ترین گروه‌ها جهت جلب به اهداف و علائق جهان‌شمول جنبش‌های اجتماعی جدید هستند (نش، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵)»^۲. با توجه به مباحث مذکور این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا در ایران کنونی، رویکرد جنبش‌های اجتماعی معطوف به بعد سوم قدرت (قدرت نرم) گردیده است؟ و در این رابطه فرضیه اصلی تحقیق به این شرح شکل گرفته که رویکرد جدید جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به قدرت نرم رابطه معنادار دارد.

هدف اساسی تحقیق، شناسایی ابعاد و ویژگی‌های این جنبش‌ها و بررسی رابطه آنها با قدرت نرم است. این تحقیق از آن نظر اهمیت دارد که جنبش‌های اجتماعی را از منظر قدرت نرم مطالعه می‌کند. این دیدگاه، نیازمند درک کنش‌ها، ابزارها و شیوه‌های عمل جنبش‌ها است تا بتوان در راهبردهای حفظ نظم و مدیریت کنترل آنها، به روش‌های متناسب و اثربخش دست یافت.

مفاهیم و مبانی نظری: جنبش اجتماعی: جنبش اجتماعی^۳ یکی از مهم‌ترین اشکال رفتار جمعی است که تعداد کثیری از مردم در آن فعالانه مشارکت می‌جویند. اگرچه این

1. Alain Touraine

2. Kitt Nash

3. social movements

پدیده در اغلب نوشته‌ها زیر عنوان رفتار جمعی^۱ مورد بحث قرار می‌گیرد اما با سایر رفتارهای جمعی تفاوت اساسی دارد. رفتار جمعی معمولاً به روش فکری، احساسی و اعمال بخش چشمگیری از مردم که نسبتاً خود به خودی صورت می‌گیرد و از طرح و الگویی خاص پیروی نمی‌کند اطلاق می‌شود و بر خلاف یک جنبش اغلب بی‌برنامه، بی‌هدف، سازمان‌نیافته و عاری از ایدئولوژی است (رابرتسون، ۱۹۹۱، ص ۵۷۷).^۲ در حقیقت کوشش سازمان‌یافته گروه یا جمعی است که می‌خواهند برخی از شئون‌های جامعه را تغییر دهند یا حفظ کنند (کوهن، ۱۳۷۵، ص ۴۱۳).

گیدنز^۳ این پدیده را از جمله اشکال کنش جمعی برای دستیابی به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظم موجود در جامعه تعریف کرده است و می‌گوید، جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد. (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۶۷۱).

گی روشه^۴ معتقد است جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل‌گرفته و مشخص است که به منظور دفاع، گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه‌بندی و تشکل اعضا می‌پردازد (روش، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴). آنچه که اصولاً جنبش اجتماعی را مشخص می‌سازد متقاضی و مدعی بودن آن است که سعی در شناساندن و پیروز گردانیدن ایده‌ها، منافع و ارزش‌های معینی را دارد، به این منظور پیوسته سعی در افزایش اعضا و کوشش در جهت جلب توجه عامه و نیز نخبگان جامعه می‌نماید. بلومر^۵ جنبش اجتماعی را پویشی می‌داند بر پایه یک عقیده که به باز تعریف کنش اجتماعی می‌پردازد (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۶). ترنر^۶ معتقد است این مقوله تجمعی مستمر می‌باشد برای پیشبرد تغییر یا مقاومت در برابر آن، رهبری در یک جنبش توسط واکنش غیررسمی مشارکت‌کنندگان تعیین می‌شود تا فرایندهای رسمی اقتدار (ترنر، ۱۹۸۷، ص ۱۱۳). تیلی^۷ نیز جنبش‌های

1. collective behavior

2. Robertson

3. Anthony Giddens

4. Guy Rocher

5. Herbert Bloomer

6. Jonathan Turner

7. Charles Tilly

اجتماعی را کنش عده‌ای با هم برای رسیدن به منافع مشترک تعریف نموده و آن را ناشی از ترکیب‌های متحول منافع، سازمان، بسیج، و فرصت می‌داند (تیلی، ۱۹۹۹، ص ۷). فرهنگ آکسفورد جنبش اجتماعی را جریان یا مجموعه‌ای از کنش‌ها و تلاش‌ها از سوی مجموعه‌ای از افراد تعریف نموده که به شکلی کم و بیش پیوسته به سمت هدف خاصی حرکت می‌کنند یا به آن‌گرایش دارند (آکسفورد، ۱۹۹۸، ص ۸۵۶). در مجموع می‌توان گفت این پدیده، رفتار و اقدام جمعی مجموعه‌ای از افراد جامعه است که برای تبلیغ و نهایتاً عملی ساختن تغییر یا جلوگیری از تغییر در جامعه و یا پاره‌ای از آن، یعنی در بین گروه یا عده‌ای خاص از افراد جامعه، بسیج شده و به اقدام مبادرت می‌ورزند. قدرت: قدرت^۱ از نظر لغوی به معنی توانستن، توانایی داشتن، استطاعت (به معنای قوه‌ای که واجد شرایط تأثیرگذاری باشد) و همچنین صفتی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد مطرح شده است (دهخدا و معین). تعریف مفهومی آن نیز متعدد است، اما عمده‌ترین تعاریف ناظر بر قدرت سیاسی هستند. در این زمینه راسل معتقد است، قدرت تولید نتایج مورد نظر است (راش، ۱۳۷۷، ص ۴۶). ماکس وبر^۲ می‌گوید، قدرت عبارت است از احتمال اینکه یک کنشگر در یک رابطه اجتماعی در موقعیتی باشد که اراده خود را به‌رغم مقاومت دیگران اعمال کند، صرف‌نظر از اینکه این احتمال بر چه مبنایی قرار دارد. (ریتزر، ۱۳۷۷، ص ۳۸). رابرت دال^۳ قدرت را زیرمجموعه‌ای از روابط میان واحدهای اجتماعی می‌داند، به طوری که رفتار یک واحد یا بیشتر واحدهای کنش به رفتار واحدهای دیگر (واحدهای کنترل‌کننده) وابسته باشد.

تالکوت پارسونز^۴ معتقد است قدرت واسطه تعمیم‌یافته‌ای برای تضمین اجرای تعهدات بوده و نیکولاس پولانزاس^۵ آن را توانایی یک طبقه اجتماعی برای اجرای منافع خاص خود تعریف کرده است (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۱۹۶). الوین تافلر^۶ معتقد است چون روابط انسانی همواره در حال تغییرند، روابط قدرت نیز در فرایند دائمی تغییر قرار دارند (تافلر، ۱۳۷۰،

1. power
2. Max Weber
3. Robert Dall
4. Talcott Parsons
5. Polanzas
6. Elvin toffler

ص ۷۹۹). لوئیس کوزر^۱ می‌نویسد: «قدرت را می‌توان به صورت تحمیل اراده کنشگر الف (فرد یا جمع) بر کنشگر ب (فرد یا جمع) تعریف کرد، به طوری که ب زیر سلطه قرار گیرد هر چند ممکن است ب از خود مقاومت نشان دهد» (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷). ابزار قدرت: اعمال قدرت نیازمند ابزار و منابعی می‌باشد. هر مقدار که منابع و ابزارها قوی‌تر باشد به همان میزان ارزش واقعی قدرت بیشتر است. ثروت و دانایی ابزارهای اساسی قدرت به شمار می‌رود که سایر منابع از آنها سرچشمه می‌گیرند. خشونت که در اصل برای تنبیه به کار می‌رود، یکی از انعطاف‌ناپذیرترین منبع قدرت است. ثروت که می‌توان آن را هم برای تشویق و هم برای تنبیه به کاربرد و به بسیاری منابع دیگر تبدیل ساخت، ابزاری به مراتب انعطاف‌پذیر است. اما دانایی، انعطاف‌پذیرترین و بنیادی‌ترین منبع قدرت به شمار می‌رود. زیرا می‌تواند به شخص کمک کند تا چالش‌هایی را دفع نماید که ممکن است به استفاده از زور یا ثروت نیاز داشته باشد و اغلب از آن می‌توان برای ترغیب دیگران به انجام کاری به شیوه مطلوب، که برخاسته از نفع شخصی است استفاده نمود. دانایی بهترین نوع قدرت را تولید می‌کند (تافلر، ۱۳۷۰، ص ۸۰۱).

گالبرایت^۲ این سه ابزار را به صورت کامل‌تری مطرح نموده و بر اساس آنها سه نوع قدرت را معرفی می‌کند: قدرت کیفردهنده، پاداش‌دهنده و شرطی (گالبرایت، ۱۳۷۱، ص ۱۰). قدرت کیفردهنده می‌تواند با تحمیل ما به ازایی چنان ناگوار یا شاق، در برابر خواست فرد یا گروه که موجب می‌شود خواست خود را فروگذارند، فرد یا گروه را وادار به تسلیم کند اما در قدرت پاداش‌دهنده، با دادن پاداش مثبت مانند چیزی با ارزش، فرد را به تسلیم وادار می‌کنند. در گذشته اربابان با دادن سهم بیشتر از محصول، کشاورزان را وادار به کار بیشتر می‌کردند. در اقتصاد امروز هم، جایزه و پاداش نقدی از ابزارهای اساسی اعمال این نوع قدرت است.

وجه مشترک قدرت کیفردهنده و قدرت پاداش‌دهنده این است که تسلیم شونده به تسلیم خود واقف است، در مورد اول به دلیل اجبار است و در مورد دوم حساب پاداش را می‌کند. قدرت شرطی برخلاف این دو، با تغییر اعتقاد فرد اعمال می‌شود. تشویق و

1. Lewis Coser

2. John K. Galbraith

ترغیب، آموزش یا تعهد اجتماعی درباره چیزی که طبیعی، صحیح یا به حق است موجب تسلیم فرد در برابر خواست دیگری یا دیگران می‌شود. سه چهره قدرت: بعد اول قدرت بر حسب اعمال آشکار آن بحث می‌شود. یعنی در مواردی که اراده یک فرد یا گروهی از افراد، آشکارا و دانسته بر اراده فرد یا گروهی دیگر مسلط می‌گردد، یا در مورد آنچه کثرت‌گرایان از جمله رابرت دال آن را تصمیم‌های قابل مشاهده نامیده‌اند. در این دیدگاه وجه آشکار قدرت (تغییر رفتار) تأکید می‌شود و تنها یک وجه آن (مانند کوه یخ) یعنی اعمال اراده فرد «الف» بر «ب» و یا رفتار «ب» ناشی از خواست «الف» و تضاد منافع بین آنها دیده می‌شود. همچنین تصمیم‌گیری نیز مشهود است که بالاخره کدام برنده می‌شود. یعنی برنده را می‌بینیم و همه چیز آشکار و تصمیم‌گیر است. دیدگاه اول مربوط به نظریه کثرت‌گرایان است که قدرت نمایان و خشن را تداعی می‌کند و تصمیم‌گیری در اعمال قدرت برای همه و حتی برای کسی که قدرت را می‌پذیرد آشکار می‌شود.

در بعد دوم از قدرت، ضمن مشاهده تصمیم‌گیری و جنبه آشکار آن، کمی عمیق‌تر شده و به بعد پنهان قدرت نیز توجه می‌گردد. این دیدگاه معتقد است قدرت چهره دومی هم دارد که به فقدان تصمیم برمی‌گردد که در آن تضادهای پنهان و مسائل بالقوه را نیز در اعمال قدرت در نظر می‌گیرد. در دیدگاه دوم، قدرت نامرئی‌تر و زیرکانه‌تر عمل می‌کند. با پنبه سر بریدن حکایت از این‌گونه اعمال قدرت را دارد. باکراک و باراتز از نظریه‌پردازان این بعد قدرت هستند. آنها با نقد کثرت‌گرایان، به‌ویژه دال، معتقدند که دال آنچه آنها اصطلاحاً عدم تصمیم‌گیری نامیده‌اند، یا قدرت کنترل موضوع‌هایی که در دستور کار تصمیم‌گیری سیاسی قرار دارد، به‌ویژه خارج کردن موضوع‌ها از دستور تصمیم‌گیری را نادیده گرفته است. (راش، ۱۳۷۷، ص ۵۲).

چهره سوم قدرت (قدرت نرم):^۱ استیون لوکس (۱۹۷۵) معتقد است قدرت علاوه بر این دو چهره، چهره سومی هم دارد و آن چهره ایدئولوژیک است. آن زمانی است که فرد از منافع واقعی فاصله می‌گیرد و قدرت به‌صورت غیرفیزیکی و با توجه به ابعاد بسیار

1. soft power

پنهان و عمیق آن اعمال می‌گردد. لوکس با انتقاد رویکرد کثرت‌گرایان استدلال داشت که قدرت در بعد سومی نیز عمل می‌کند که او با آنچه اصطلاحاً تعارض پنهان و منافع واقعی می‌نامد سر و کار دارد. وی معتقد است اگر «الف» ذهنیت فرد را از طریق تبلیغات و اقناع‌سازی دست‌کاری نموده و آن را تغییر دهد اعمال قدرت شده؛ استیون لوکس معتقد است چهره جدید قدرت ایدئولوژیک است که از طریق غیرفیزیکی به صورت توفنده اعمال می‌گردد. در این دیدگاه نگرش به قدرت عمیق‌تر شده و به ابعاد بسیار پنهان و ذهنی مانند تضادهای نهفته و مسائل بالقوه توجه می‌شود (لوکس، ۱۳۷۵، ص ۴۱). قدرت نرم توانایی به‌دست‌آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین جهت تحقق اهداف خود احصا کنیم. این نوع قدرت با قدرت سخت متفاوت است (نای، ۲۰۰۴، ص ۹).

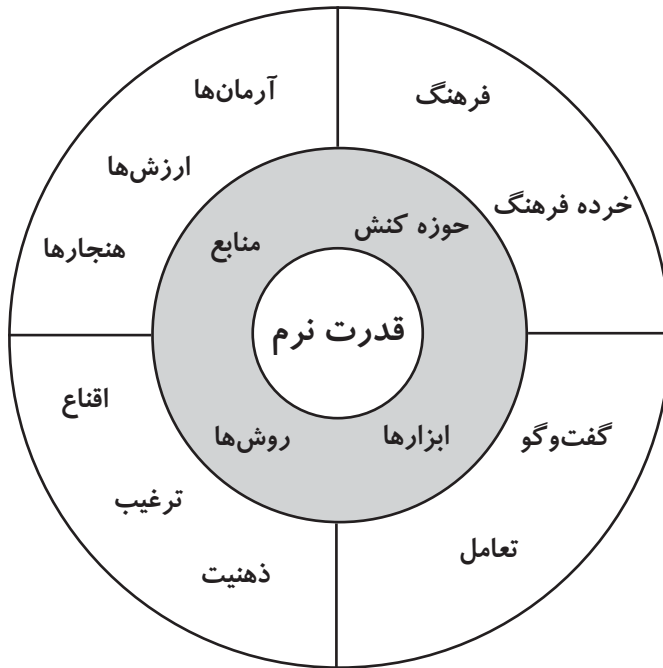
این نوع قدرت، شیوه‌ای جدید است که یک اقدام‌کننده بدون استفاده از زور به خواسته‌هایش جامه عمل می‌پوشاند. از نظر «نای»، قدرت نرم دو توانمندی اساسی دارد، یکی توان جذب و متقاعدسازی و دیگر توان تأمین ایدئولوژی (نای، ۲۰۰۴، ص ۳۳). در دیدگاه سوم، اعمال قدرت با ذهنیت‌سازی همراه است. دیدگاه میشل فوکو در ابژه کردن و سوژه نمودن ناظر بر همین دیدگاه است، که چگونه نظام‌های سیاسی به ساختن افکار عمومی و شکل‌دهی ذهنیت‌ها از طریق تبلیغات، رسانه‌ها، عملیات روانی، ... می‌پردازند. لوسین پای معتقد است قدرت مؤثر تنها در صورتی به وجود می‌آید که حداقل پنج ویژگی زیر را کسب نماید: ۱. فائق‌آمدن قدرت و گسست‌های هویتی (اعتقادی، ارزشی، ...); ۲. تبدیل شدن به اقتدار (مشروعیت‌یافتن); ۳. اجتماعی شدن قدرت; ۴. پذیرش نهادی قدرت (اقناع و ترغیب); ۵. عادلانه تلقی شدن قدرت (پای، ۱۹۶۶، ص ۳۵).

این رویکرد با بعد سوم قدرت قابل انطباق است و قدرت را معطوف به ماهیتی اجتماعی فرهنگی می‌نماید که بدون توجه به مؤلفه‌های محیطی اصولاً نمی‌توان آن را درک و معنا کرد. این رویکرد از قدرت با توجه به مؤلفه‌های آن، به صورت مدل تحلیلی (نمودار ۱) نشان داده می‌شود.

1. Nye, 2004, p.9

2. Pye, 1966, p.35

نمودار ۱. مدل قدرت (قدرت نرم) و مؤلفه‌های آن



روش

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع کاربردی می‌باشد که با روش توصیفی- پیمایشی انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای در قالب طیف لیکرت بوده است. متغیر مستقل «رویکرد اخیر جنبش‌های اجتماعی در ایران» و متغیر وابسته «گرایش به قدرت نرم» می‌باشد. ابعاد و مؤلفه‌های متغیر وابسته به شرح زیر است:

فرهنگی‌شدن: متکی بر رسانه‌های فرهنگی، استفاده مؤثر از هنر و موسیقی، رویکرد سیاست فرهنگی، بهره‌برداری از مد و رویکرد به خرده‌فرهنگ‌ها (زنان، جوانان، ...);
 ارزشی و هنجاری‌شدن: هویت‌آفرینی، نمادسازی، توجه به سبک زندگی و تجددخواهی در ارزش‌ها (جهانی‌کردن);

اقناع‌سازانه: تأکید بر افکار عمومی، ذهنیت‌سازی، توجه به تبلیغات، مشارکت فراگیر و خصلت نمایشی؛

خشونت‌گریزی: تساهل و مدارا، مبارزه نمادین، فعالیت در عرصه‌های مدنی، استفاده مؤثر از مجرای شایعه و مقاومت منفی.

برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از «ضریب آلفای کرونباخ» استفاده شد ($\alpha=0/850$)، که بیانگر آن است که پرسشنامه تحقیق از قابلیت اعتماد یا به عبارت دیگر پایایی لازم برخوردار می‌باشد. اعتبار (روایی) آن نیز از طریق «اعتبار صوری»، با استفاده از تأیید صاحب‌نظران و خبرگان امر صورت گرفت و گویه‌های ضعیف حذف گردید.

جامعه آماری تحقیق شامل فرماندهان و مدیران اجرایی (صفی) نیروی انتظامی است که به لحاظ اقتضای شغلی، با جنبش‌های اجتماعی ارتباط داشته و با تحولات آنها آشنایی داشته‌اند. نمونه آماری به حجم ۷۲ نفر (با محاسبه از طریق کوکران) به روش تصادفی طبقه‌ای، از بین ادارات کل و کلانتری‌های مناطق تهران انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و تبیین فرضیه‌ها (با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS) از آزمون‌های آمار توصیفی و استنباطی، آزمون t یک‌نمونه‌ای بهره‌برداری شده است.

یافته‌ها

◆ فرضیه یک: رویکرد جدید جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به فرهنگی‌شدن رابطه معنادار دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. میانگین نمراتی که به طیف پنج گزینه‌ای در این فرضیه داده شده و همچنین بررسی نتایج داده‌ها را می‌توان در جدول ۱ مشاهده نمود.

جدول ۱. میزان آماره t در خصوص فرضیه اول

متغیر	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
گرایش به فرهنگی شدن	۷۲	۴/۶۴۲	۰/۵۵۴۴	۲۳/۴۸۵	۷۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که t محاسبه شده ($t=23/485$) با درجه آزادی ($d.f.=70$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=0/000 < 0/05$) تفاوت بین

میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده (۴/۴۴۲) معنادار است. یعنی به احتمال بیش از ۹۵٪ رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به فرهنگی شدن رابطه معنادار دارد. در حقیقت می‌توان بیان داشت جنبش‌های اجتماعی ایران در چند دهه اخیر از نظر حوزه‌های کنش، بیشتر در عرصه‌های فرهنگ و خرده فرهنگ حرکت داشته‌اند. بر خلاف جنبش‌های سنتی (کلاسیک) که عمدتاً رویکرد سیاسی دارند، جنبش‌های نوین ایران رویکردی فرهنگی یافته‌اند.

◆ فرضیه دوم: رویکرد جدید جنبش‌های اجتماعی در ایران با گرایش به هنجاری و ارزشی شدن رابطه معنادار دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون t یک‌نمونه‌ای استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق، میانگین نمراتی که به طیف پنج‌گزینه‌ای این فرضیه داده شده به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. میزان آماره t در خصوص فرضیه دوم

متغیر	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
گرایش به ارزشی و هنجاری شدن	۷۲	۴/۴۱۳۲	۰/۵۵۸۸	۲۱/۴۳۰	۷۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که t محاسبه شده ($t=۲۱/۴۳۰$) با درجه آزادی ($d.f.=۷۰$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$) تفاوت بین میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده (۴/۴۱۳۲) معنادار است. یعنی به احتمال بیش از ۹۵٪ رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به ارزشی و هنجاری شدن رابطه معنادار دارد. در حقیقت می‌توان بیان داشت جنبش‌های اجتماعی ایران در چند دهه اخیر از منابع کنش مبتنی بر آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بوده‌اند. بر خلاف جنبش‌های سنتی (کلاسیک) که عمدتاً خواسته‌های سیاسی را مد نظر داشته‌اند، جنبش‌های نوین ایران بر عناصر فرهنگی و هویتی جامعه تکیه کرده‌اند.

◆ فرضیه سه: رویکرد جدید جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش اقناع‌سازانه رابطه معنادار دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق، میانگین نمراتی که به طیف پنج گزینه‌ای این فرضیه داده شده به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳. میزان آماره t در خصوص فرضیه سوم

متغیر	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
گرایش اقناع‌سازانه	۷۲	۴/۳۸۵	۰/۵۸۸۰	۱۹/۷۴۰۰	۷۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که t محاسبه شده ($t=۱۹/۷۴۰۰$) با درجه آزادی ($d.f.=۷۰$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$) تفاوت بین میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده ($۴/۳۸۵$) معنادار است. یعنی به احتمال بیش از ۹۵٪ رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به اقناع‌سازی رابطه معنادار دارد. در حقیقت می‌توان بیان داشت جنبش‌های اجتماعی ایران در چند دهه اخیر از روش‌ها و شیوه‌هایی استفاده کرده‌اند که مبتنی بر اقناع، ترغیب و ذهنیت‌سازی است. برخلاف جنبش‌های سنتی (کلاسیک) که عمدتاً از روش‌های خشونت سیاسی استفاده می‌کردند، جنبش‌های نوین ایران از شیوه‌های مبتنی بر افکار عمومی بهره می‌برند.

◆ فرضیه چهار: رویکرد جدید جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به خشونت‌گریزی رابطه معنادار دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق، میانگین نمراتی که به طیف پنج گزینه‌ای این فرضیه داده شده به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴. میزان آماره t در خصوص فرضیه چهارم

متغیر	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
گرایش به خشونت‌گریزی	۷۲	۴/۴۶۱	۱/۰۳۵۰	۲۰/۷۵۸	۷۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که t محاسبه شده ($t=20/758$) با درجه آزادی ($d.f.=70$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=0/000 < 0/05$) تفاوت بین میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده ($4/461$) معنادار است. یعنی به احتمال بیش از ۹۵٪ رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به خشونت‌گریزی رابطه معنادار دارد. در حقیقت می‌توان بیان داشت جنبش‌های اجتماعی ایران در چند دهه اخیر در بیان اعتراض و مبارزه عمدتاً از ابزارهایی مانند: گفت‌وگو، ارتباط و تعامل استفاده کرده است. بر خلاف جنبش‌های سنتی (کلاسیک) که عمدتاً مبتنی بر ابزارهای خشونت‌آمیز و براندازانه بوده جنبش‌های نوین ایران رویکرد تساهل مدارانه و آرام‌تری را پیشه گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده بر اساس داده‌های آماری نشان داد که در فرضیه اول t محاسبه شده ($t=23/485$) با درجه آزادی ($d.f.=70$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=0/000 < 0/05$) تفاوت بین میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده ($4/642$) معنادار است. پس می‌توان بیان داشت رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به فرهنگی شدن رابطه معنادار دارد. در فرضیه دوم t محاسبه شده ($t=21/430$) با درجه آزادی ($d.f.=70$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=0/000 < 0/05$) تفاوت بین میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده ($4/132$) معنادار است. پس می‌توان بیان داشت رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به ارزشی و هنجاری شدن رابطه معنادار دارد. در فرضیه سوم t محاسبه شده ($t=19/740$) با درجه آزادی ($d.f.=70$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=0/000 < 0/05$) تفاوت بین میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده

(۴/۳۸۵) معنادار است. پس می‌توان بیان داشت رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به اقلان‌سازی رابطه معنادار دارد. در فرضیه چهارم t محاسبه‌شده ($t=۲۰/۷۵۸$) با درجه آزادی ($df=۷۰$) بزرگ‌تر از t جدول می‌باشد؛ بنابراین با سطح معناداری ($p=۰/۰۰۰<۰/۰۵$) تفاوت بین میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده‌شده (۴/۴۶۱) معنادار است. پس می‌توان بیان داشت رویکرد جنبش‌های اجتماعی در ایران باگرایش به خشونت‌گریزی رابطه معنادار دارد.

در مجموع، تحلیل‌ها نشان داد که در ایران چند دهه اخیر جنبش‌های اجتماعی گرایش به بعد سوم قدرت (قدرت نرم) داشته‌اند. آنها در این دهه‌ها معطوف به فرهنگی شدن، ارزشی و هنجاری بودن، اقلان‌سازانه و خشونت‌گریزی بوده‌اند و عمدتاً از ابزارهای آرامی چون: رسانه، هنر، نمادگرایی و غیره برای نشان‌دادن اعتراض و مبارزه استفاده نموده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد در مدیریت و کنترل آنها باید این واقعیت را در نظر گرفت. پژوهش‌های تطبیقی بین‌المللی از دهه ۱۹۶۰ به این سو هم تغییراتی در کنترل این‌گونه اعتراض‌ها نشان می‌دهند (دل‌پورتا، ۱۳۸۳، ص ۲۲۸).

در این رابطه استراتژی‌های طرد (سرکوب) و جذب، به‌صورت مکمل و متناسب به‌کار گرفته‌شده است. از یک سو دولت‌ها با برخورداری از انحصار استفاده مشروع از زور، از پلیس به‌عنوان حافظ نظم برای کنترل اعتراض‌ها استفاده نموده و منابع و فرصت‌های موجود برای کنش‌های جمعی را محدود می‌سازد. نیروهای پلیس نمایندگان حکومت نزد مردمند، آن در عین حالی که سیاست‌های حکومت را نمایندگی می‌کنند با اقداماتشان به تعیین شرایط منازعات شهری نیز کمک می‌کنند. به دلیل نقش منحصر به فرد نهادهای مجری قانون در اجرا و تقویت هنجارهای نظام، پلیس نقش بنیادینی در نگرش‌ها و تحولات سیاسی دارد می‌توان اضافه نمود که امواج اعتراض نیز به نوبه خود تأثیر مهمی بر سازمان‌های پلیس داشته است (رینر، ۱۹۹۸، ص ۲۵۳).

از سوی دیگر کنترل اعتراض‌ها توسط پلیس به‌گونه‌ای فزاینده انعطاف‌پذیرتر شده و از زور به دفعات کمتری استفاده می‌شود. ضمناً تخصصی شدن وظایف بین رده‌های

مختلف پلیس، توسعه یافته و از فناوری پیچیده تری استفاده می شود، کاهش استفاده از زور با افزایش استفاده از اطلاعات هم زمان شده است. امروزه برای کنترل جنبش ها از روش های متنوع تری برای جمع آوری اطلاعات استفاده می شود و توجه بیشتری به پیشگیری مبذول شده است توسعه ساختارهای مذاکره به عنوان بخشی از استراتژی کنترل توأم با رضایت نیز در تعریف گسترده پیشگیری از جرم جای گرفته است. تیلی معتقد است شیوه های مختلف دخالت پلیس توجهاتی را در ادبیات جامعه شناسی برانگیخته است. گری مارکس که از دیدگاه پدیدارشناسی به قضیه می نگرد اقدامات سرکوبگرانه را بر حسب اهداف شان از هم متمایز می کند که عبارت است از: ایجاد تصویری نامطلوب از مخالفان، جمع آوری اطلاعات، محدود نمودن جریان منابع برای جنبش ها، تضعیف فعالان، ایجاد منازعات درونی گروه ها و بهم زدن اقدامات خاص (تیلی، ۱۹۷۸، ص ۱۰۶)، جنبش اجتماعی با چنین رویکرد بر بعد معناسازی و تفسیری قدرت تأکید دارد. این مقوله جنبش های اجتماعی را به عنوان تعاملات دارای سمت گیری هنجاری می بیند که از یک میدان فرهنگی مشترک، تفاسیر متعارض و مدل های اجتماعی متضادی عرضه می کنند. به این ترتیب جنبش های اجتماعی با اتکا به منطقی نسبتاً مستقل از منطق نظام مسلط به عنوان فرایندهایی اجتماعی عمل می کنند که طی آنها هویت های جدید شکل می گیرند و راه های بدیل زندگی آرموده می شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۹۷).

این رویکرد تفاوت عمده جنبش های جدید اجتماعی با جنبش های قدیمی را در این می بیند که محور تعارض های اجتماعی در این جنبش ها، مشکلات فرهنگی و به ویژه اخلاقی است. جنبش های جدید اجتماعی از ابزارها و روش های آرام استفاده می کنند بنابراین از منظر انتظامی تهدید نرم محسوب می گردند که مهار و کنترل آنها با بهره گیری از روش های نرم میسر است. این جنبش ها مبتنی بر هویت سازی و ارزش سازی است و برخلاف جنبش های سنتی و متعارف به جای تسخیر جغرافیای فیزیکی به تسخیر جغرافیای فرهنگی و ذهنیتی می پردازند.

برخی از این تهدیدها مهمل ناماست، یعنی روش های سمبولیک^۲ (نمادین و نمایشی)

1. Tilly, 1978, p.106

2. symbolic

استفاده می‌شود و اگر با آن نرم برخورد نشود تثبیت و تقویت می‌گردد. در برخی کشورهای جهان سوم برخوردهای شدید با برخی هویت‌ها آنها را به چهره‌هایی جهانی مبدل ساخت و حمایت‌های بین‌المللی را برانگیخت. اساساً جلوه‌های فراگیر تجددگرایی به معنای تولد جنبش‌های اجتماعی جدیدی است که خواه‌ناخواه خشونت را به دنبال خواهد داشت (افتخاری، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸) که نباید تثبیت گردند.

پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که در برخی موارد گروه‌هایی که بیش از همه در معرض خشونت پلیس هستند به تندرستی گرایش می‌یابند و در موارد دیگری اقدامات غیرمتمعارف و خشن را کنار می‌گذارند (ویلسون، ۱۹۷۳، ص ۱۱۵).^۱ بنابراین هم اقتدار و هم انعطاف‌پذیری پلیس دو سوی کارکرد پلیس است که در کنترل و مهار جنبش‌های اجتماعی باید هر دو نقش را ایفا کند. اما نکته مهم آگاهی و شناخت آن از ماهیت و هدف جنبش‌هاست و اینکه در کجا و چگونه کدام چهره خود را نشان دهد.

پیشنهادها:

۱. جنبش‌های جدید از نظر ماهیت، ویژگی و شیوه‌های مبارزه با جنبش‌های سنتی متفاوت هستند، پس در مدیریت آنها باید از روش‌های متناسب استفاده نمود؛
۲. جهت کنترل و مقابله جنبش‌های نرم اگر از شیوه‌های سخت و قهرآمیز استفاده شود نه تنها کارایی ندارد، بلکه باعث رادیکالیزه شدن آنها می‌گردد؛
۳. کانون مبارزه و تکیه جنبش‌های جدید بر افکار عمومی مبتنی است، تا بتوانند تغییرات مورد نظر خود را از آن طریق اعمال نمایند؛ بنابراین ناجا باید به این مقوله اهمیت بیشتری دهد و با ارتباطات مؤثرتر به اقناع و هدایت افکار عمومی پردازد؛
۴. رسانه‌های جمعی مهم‌ترین ابزار جنبش‌های جدید (نرم) محسوب می‌گردند، بنابراین پلیس باید تعامل نزدیک و بیشتری با آنها داشته باشد؛
۵. عاملیت و کنش آگاهانه پلیس در جذب آنها، مناسب‌ترین تدبیر در قبال جنبش‌هاست. برخی جنبش‌های جدید تنها تجلی ابراز احساسات و خواست‌ها می‌باشد، بنابراین باید آنها را به سمت نهادمندی سوق داد؛

1. Wilson, 1973, p.115

۶. اثربخشی اطلاعات و تحولات در سه جنبه آن یعنی جمع‌آوری، تحلیل (پردازش) و ارسال آن در رابطه با پویش‌های اجتماعی نقش محوری دارد. همه بخش‌های پلیس درباره حرکت جنبش‌های نرم باید از اطلاعات به‌هنگام برخوردار و از ماهیت آنان آگاهی داشته باشند؛

۷. در آموزش‌های پلیس این آگاهی‌ها باید لحاظ گردد و کارکنان عمل‌کننده، به‌ویژه پلیس پیشگیری و عملیات، در خصوص شیوه‌های اصولی درست کنترل و مدیریت این جنبش‌ها توجیه گردند.

منابع

منابع فارسی:

- تورن، آلن (۱۳۸۱)، سه شنبه ۲۶ فروردین). تصویر من از ایران: مصاحبه. *روزنامه ایران*.
افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). *خشونت و جامعه*. تهران: نشر سفیر.
بشیری، حسین (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.
بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین* (ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، مترجمان). تهران: ابرار معاصر تهران (نشر اصلی اثر ۲۰۰۵).
تافلر، الوین (۱۳۷۰). *جایگاهی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم* (شهیندخت خوارزمی، مترجم). تهران: [مولف] (نشر اصلی اثر ۱۹۹۰).
تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی* (ویرایش ۲). گناباد: نشر مردنیز.
دلپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی* (محمد تقی دلفروز، مترجم). تهران: کویر (نشر اصلی اثر ۲۰۰۴).
راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی* (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: سمت (نشر اصلی اثر ۱۹۹۲).
روشه، گی (۱۳۸۰). *تغییرات اجتماعی* (منصور وثوقی، مترجم). تهران: نشر نی (نشر اصلی اثر ۱۹۷۲).
ریتزر، جورج (۱۳۷۷). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (محسن ثلاثی، مترجم) (ویرایش ۲). تهران: علمی (نشر اصلی اثر ۱۹۹۶).
شفیعی، جمال (۱۳۸۲، پاییز). *جنبش‌های اجتماعی در ایران*. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۱، ۶۴۳-۶۶۰.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (جلد ۱: ظهور جامعه شبکه‌ای) (احد علیقلیان و افشین خاکباز، مترجمان). تهران: طرح نو (نشر اصلی اثر ۲۰۰۰).
- کوهن، بروس (۱۳۷۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی* (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: توتیا (نشر اصلی اثر ۱۹۷۹).
- گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱). *آنتوموسی قدرت* (محبوبه مهاجر، مترجم). تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما) (نشر اصلی اثر ۱۹۸۳).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی* (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی (نشر اصلی اثر ۱۹۹۶).
- لوکس، استیون (۱۳۷۵). *قدرت نگرش رادیکال* (عماد افروغ، مترجم). تهران: خدمات فرهنگی رسا (نشر اصلی اثر ۱۹۹۳).
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
- نش، کیت (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت* (محمدتقی دلفروز مترجم). تهران: کویر (نشر اصلی اثر ۲۰۰۰).

منابع انگلیسی:

- Kelly, P. (2002, June 8). Soft power for hard heads. *The Weekend Australian*.
- Nye, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. New York: Public Affairs.
- Pye, L. (1996). *Aspect of political development*. Boston: Little Brown.
- Reiner, R. (1998). Policing, protest and disorder. In P. D., & H. Reiter, eds., *Policing protest: The control of mass demonstrations in Western democracies*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Tilly, C. (1978). *From mobilization to revolution*. Reading, MA: Harvard University Press.
- Tilly, C. (1999). From interactions to outcomes in social movements. In Giugni, Marco, Doug McAdam, and Charles Tilly, eds., *How Social Movements Matter* (pp. 253-279). Minneapolis (MN): University of Minnesota Press.
- Wilson, J. (1973). *Introduction to social movements*. New York: Basic Books.